



زهره شریعتی

سینمای ما، هالیوود و منجی در آخر الزمان

به جای مقدمه کسی که امروز را بفهمد، به استقبال فردا می‌رود.

ضد آن فیلم بسازد و ماجرا را به گونه‌ای دیگر جلوه دهد. غربی‌ها معتقدند: اگر بتوانید آینده را پیش بینی کنید، خودتان هم می‌توانید آن را بسازید. هالیوود که به تأثیر تصویر در فرهنگ سازی و تغییر مبانی فکری و اعتقادی جوامع ایمان آورده بود، به سرعت شروع به ساخت و تهیه فیلم‌هایی کرد که به نوعی به آخرالزمان و ظهور منجی می‌پرداخت. برای همین «اورسون ولز» کارگردان یهودی مشهور سینمای هالیوود که فیلم «همشهری کین» او در زمره بهترین فیلم‌های دنیا جای گرفته بود، فیلمی ساخت به نام پیشگویی‌های «نوستراداموس» و در این فیلم منجی را کسی معرفی کرد که نام آخرین پیامبر را بر خود دارد و مسلمان است، اما به حدی کشتار می‌کند و برخوردی وحشیانه با مردم دارد که عملاً هرکسی از او متنفر خواهد شد. لباس او عربی مانند است و دستاری بر سر دارد. پیام کل فیلم آن است که این منجی مسلمانان فرد محبوبی نخواهد بود و ششصد میلیون مسلمان در خاورمیانه وجود دارند که ثروت عظیمی از گاز و نفت و ذخایر طبیعی در اختیار دارند و برای صلح جهانی خطرناکند. ولز برای این فیلم اسکار هم گرفت.

بعد از آن، بازی کامپیوتری «ایامهدی» نیز ساخته شد که با همان رویکرد بالا موجب ایجاد نفرت از ظهور منجی به این نام در میان جوانانی شد که چندان اطلاعی از نحوه ظهور حضرت و مبانی اعتقادی شیعه نداشتند.

آرامگدون

کلمه «آرامگدون» که به عربی (هرمجدون) خوانده می‌شود، واژه‌ای است در اصل یونانی که معنای لغوی‌اش به معنی نبرد نهایی حق و باطل (یا خیر و شر) در آخرالزمان است. این نبرد در محلی به همین نام، طبق آنچه در باب مکاشفات یوحنا در انجیل عهد جدید آمده است، رخ می‌دهد و سرنوشته نهایی بشر به آن بستگی دارد. با همین نام فیلم‌هایی ساخته شده که به نبرد فضایی‌ها که نماد شرند و زمینی‌ها که نماد خیرند، می‌پردازد و به نوعی این واقعه را تحریف می‌کند.

می‌گویند سازمان سیا در پرونده حضرت مهدی، فقط عکس ایشان را کم دارد. در واقع آن‌ها به اهمیت ایشان برای مسلمانان پی‌برده‌اند و حس می‌زنند که این واقعه نزدیک است. بنابراین می‌خواهند نوعی آمادگی در مردم خودشان ایجاد کنند و القا نمایند که نیروی برتر در مقابله با این واقعه، آمریکا و تکنولوژی اوست و در صورت وقوع این امر، یک قهرمان آمریکایی دنیا را نجات خواهد داد. این قهرمان حتی به بلایای طبیعی هم غلبه می‌کند و در واقع از دست طبیعت هم کاری ساخته نیست تا جلوی تکنولوژی آمریکا بایستد. نشان دادن این مسئله در فیلم‌ها، غیر از مرعوب کردن شرقی‌ها و به ویژه مسلمانان در این که هرگز نمی‌توانند با این قدرت برتر مبارزه کنند، موجب می‌شود که جهان سوم به نوعی در مقابل این تکنولوژی منفعل شود و خلاقیت و توانایی خود را نادیده بگیرد و تنها مصرف‌کننده تکنولوژی خارجی باشد و نه تولید کننده. چون غرب می‌داند که تولید کردن فکر، اندیشه، و در نهایت فناوری منجر به قدرت گرفتن مسلمانان خواهد شد.

در هالیوود انواع آخرالزمان‌ها به تصویر کشیده شده است. آقای مجید شاه حسینی در کتاب پیش‌گویی‌ها و آخرالزمان گونه‌های مختلف آن را به پنج گروه تقسیم کرده‌اند:

۱. آخرالزمان تکنولوژیک: ساخته‌های دست

اورشلیم و بیت المقدس ظهور می‌کند. یهودی‌ها هم می‌گویند عیسی واقعی هنوز نیامده است. اما در فیوچرسم (آینده‌گرایی) مسلمانان، شیعه و حتی سنی در انتظار ظهور مهدی صاحب الزمان هستند، اما با یک تفاوت با ادیان دیگر. آن‌ها منجی‌شان از آسمان ظهور می‌کند و در همان وقت ظهور به میان مردم می‌آید، اما منجی ما مسلمانان، هم اکنون در میان مردم زندگی می‌کند و در مشکلات و سختی‌ها همراهیشان می‌نماید، بدون آن که کسی او را بشناسد و از روی همین در زمین قیامش را آغاز می‌کند، نه آن که از آسمان فرود آید، یا مثل عیسی مسیح در حالی که خود مسیحیان (به اشتباه) معتقدند دوهزار سال پیش به صلیب کشیده شده و از دنیا رفته است، دوباره زنده شود. منجی ما عمر هزارساله دارد و پنهان از دید مردم است، اما زنده است و عینی. بنابراین در زندگی مسلمانان تجلی خاصی می‌یابد و همه اکنون هم از او مدد می‌گیرند و در انتظار او سعی دارند کارهای نیک انجام دهند و زمینه را برای ظهور حضرتش فراهم سازند. در حالی که انتظار ادیان دیگر جلوه‌ای در زندگی معمولشان ندارد. جالب است بدانید که تأثیر این تجلی عینی فرهنگ انتظار زمانی برای غرب مشخص شد و او را به وحشت از منجی ما انداخت که انقلاب اسلامی پیروز شد و جلوه‌های حضور و یاری آن حضرت در پیروزی انقلاب و زمان جنگ تحمیلی بیش‌تر نمود یافت. غرب دانست که چیزی غیر از امکانات و تجهیزات نظامی و تکنولوژی هم وجود دارد که ضمن بسیج مردم و هماهنگی در اعتقاداتشان، این نیرو را به آن‌ها می‌بخشد که در عین کمبود امکانات، با تکیه بر ایمانی قوی در جبهه‌های نبرد برای شهادت و کشته شدن در راه خدا از هم سبقت بگیرند. به واسطه همین حیرت بود که برای شناخت فرهنگ انتظار و عامل ایجاد این ایمان قوی در سال ۱۹۸۴ (۱۳۶۲ هجری شمسی) کنفرانسی در اسرائیل و در شهر تل‌آویو برگزار شد تا به تأثیر اعتقاد به مهدویت در میان مسلمانان به ویژه شیعیان ایران بپردازد. در این کنفرانس به این نتیجه رسیدند که هویت سیاسی شیعه و عامل موفقیت آن، اعتقاد به مهدی (عج) است و گفتند: این‌ها به اسم امام حسین (ع) قیام می‌کنند و به اسم امام زمان (ع) قیامشان را حفظ می‌کنند.

از آن پس بود که هالیوود توجهش به این منجی جلب شد و اهمیت آن را درک کرد. او تأثیر مهدویت را در تعارض با خواسته‌های خود دید و سعی کرد بر

تصویر و مبانی مذهبی

به تصویر کشیدن مبانی معنوی و مذهبی و شخصیت‌های قدسی، هنر خاصی را می‌طلبد که تنها هنرمندان سلیم‌النفس و متعهد می‌توانند از عهده آن برآیند. در هنر نمی‌توان مستقیم سخن گفت و یا پند و اندرز داد. هنر سینما که اصالت و اساس آن بر تصویر است، به عکس دیگر هنرها، مشکل‌تر می‌تواند چنین مفاهیمی را به زبان خود ترجمه کند و به گونه‌ای که به این مفاهیم لطمه نخورد، آن را در خود حل کند یا به واقع خود در آن حل شود. در عین حال، باید گفت مؤثرترین روش برای ماندگار کردن مفاهیم مذهبی و دینی به تصویر کشیدن آن‌هاست.

آمریکا جنگ خلیج فارس را به مدد رسانه‌های تصویری و سینما به راه انداخت. جنگ عراق را نیز همین‌طور، با ساختن یک دروغ ساده که صدام سلاح‌های هسته‌ای یا کشتار جمعی دارد و به شدت برای امنیت ما خطرناک است. در حالی که اگر هم آمریکا می‌خواست به تلافی یازده سپتامبر و القاعده کاری کند تا عصبانیتش تخلیه شود، ربطی به عراق نداشت. همان کاری که بر سر افغانستان آورد، کافی بود. تمام این بدبختی، لشکرکشی و قتل و تجاوز، به خاطر یک دروغ بود. دروغی که می‌دانید از فرط تکرار توسط رسانه‌های مختلف به ویژه تصویری و بازم به ویژه سینما، راست و حقیقی جلوه داده می‌شود تا جنگ عراق را توجیه کند. یا مثلاً می‌خواهد با یک دروغ بزرگ‌تر که کاملاً تخیلی و غیر واقعی است، مثل حمله فضایی‌ها به زمین و ایجاد نگرانی در مردم در این مورد به واسطه فیلم‌های سینمایی مثل جنگ ستارگان و از این قبیل، توجیه کند که باید تسلیحات خود را افزایش دهیم تا خطر حمله فضایی‌ها کاهش پیدا کند! و یا با این توجیه که ما از شر سارقان، تبهکاران و قاتلان در امان نیستیم، باید مثل آب خوردن مجوز حمل یا خرید اسلحه به مردم بدهیم، حتی به کودکان! فیلم «بولینگ برای کلمباین» مایکل مور را که دیده‌اید؟!

همه به دنبال منجی می‌گردند

تمام ادیان الهی و غیر الهی، به آخرالزمان و این که روزی می‌رسد که همه شر در مقابل همه خوبی و نیکی می‌ایستد، معتقدند و انتظار ظهور یک منجی را می‌کنند که نماد نیکی‌هاست و ظلم و بدی را در آخرالزمان از بین خواهد برد. بودایی‌ها و هندوها منتظر آمدن (گوتمه) یا بودای پنجم هستند، زرتشتی‌ها در انتظار سوشیانت (یا سوشیاس) و مسیحیان هم معتقدند که حضرت عیسی دوباره از

بین نوجوانان خودمان و بقیه پیدا می‌کنیم و ما هم می‌توانیم دقیق‌تر درباره ایده‌هایمان (بخوانید مبانی فکری و نظری مان) با یک زبان بین المللی (همان تصویری که اشاره شد و سینما) حرف بزنیم. هری پاتر خود یک جادوگر است، اما نه یک جادوگر منفی و ظالم مانند «لرد ولدمورت» که دشمن اوست. او نوجوانی است با ویژگی معمولی همه نوجوانان دنیا که تنها تفاوتش این است که به مدرسه جادوگری هاگوارتز می‌رود. این شخصیت بدون مرز است. چون با وجود همه تفاوت‌های فرهنگی بین کشورها، مدرسه‌ها در سرتاسر دنیا یک قوانین ثابت دارند. با فیلم‌های ارباب حلقه‌ها و هری پاتر، جهانی سازی خیلی راحت تر اتفاق می‌افتد.

می‌بینید که منجی مورد نظر آن‌ها هیچ شباهتی به منجی ما ندارد. سعی دارند کسی را به این عنوان معرفی کنند و ذهن مردم را غرق در آن کنند که دیگر لزومی نداشته باشد به مسئله انتظار به درستی بیندیشد. آن وقت ما چه کرده‌ایم؟ انتظار را و ظهور منجی خود را چقدر در فیلم‌هایمان به تصویر کشیده‌ایم؟ می‌توانید بشمرید!

یک راهکار

به گفته «دکتر بلخاری»، در دانشگاه برای دانشجویان هنر ما به ویژه سینما که یک هنر صنعت کاملاً وارداتی است، فقط آموزه‌های غربی و تکنولوژی آن‌ها تدریس می‌شود. بنابراین دانشجویان، تکنیک را از غرب می‌گیرند تا این‌جا مشکلی نیست، اما غرب به قدری در این زمینه عمیق کار کرده است که تنها عده کمی می‌توانند فقط تکنیک را بگیرند و محتوا را نگیرند. باید کسانی که به این عرصه می‌گذارند، قبل از آن خودسازی فرهنگی، ملی و دینی کرده باشند تا تحت تاثیر آن تکنولوژی و روحش قرار نگیرند و مرعوب آن نشوند. دکتر بلخاری در این باره پیشنهاد خوبی دارد: باید یک تیم متخصص حوزوی، محورهای مهم و محتوا را از منابع اصیل اسلامی استخراج کند و تیم متعهد دیگری که دست اندرکار هنر و سینماست این معنا را به تصویر بکشد. تاریخ و تجربه نشان داده است که تلفیق تعهد و تخصص بسیار کارساز است.

یک خبر جالب!

حتماً شنیده‌اید که جناب «بن‌لادن» کمی تا قسمتی ادعای مهدویت کرده است و خود را منجی جهان اسلام می‌پندارد! این خبر را بگذارید کنار این یکی که طبق مقاله بولتن خبری «جی دو» که یک سرویس خبری به روز است و به بررسی موضوعات امنیتی و اطلاعاتی می‌پردازد و تنها برای مشترکین‌اش ارسال می‌شود (به تاریخ نه فروردین ۸۳): برخی از بازداشت شدگان زندان گوانتانامو، به بازجویان گفته‌اند که به این علت به تشکیلات القاعده پیوسته اند که تصور می‌کرده‌اند بن لادن همان مهدی منتظر است. و یک خبر دیگر، این که یکی از امامان جماعت عراق بعد از آزادی از دست آمریکایی‌ها گفته است: افسران آمریکایی به دنبال مهدی موعود می‌گردند و از من در مورد او و محل اقامتش سؤال می‌کردند. منتظر ساخت فیلم‌هایی هالیوودی که به نوعی به این اخبار مربوط شوند، باشید!

منابع:

- ۱- کتاب پیشگویی‌ها و آخرالزمان، جمعی از نویسندگان، ناشر موعود، چاپ اول ۸۲.
- ۲- مجله موعود، شماره های ۳۱ و ۳۲.
- ۳- مجله سروش جوان، شماره های ۳۸ و ۳۹ و ۵۹.

و بدی از بین می‌رود.

محتوای تمام این فیلم‌ها برگرفته از آموزه های مسیحیت و یهودیت است و در آن‌ها نشانه‌های فراوان از این آموزه‌ها به چشم می‌خورد. در ۹۵ درصد این فیلم‌ها منجی یک آمریکایی خوب است که یا مسیحی است یا یهودی. آدم‌های بد ماچرا هم یا شرقی هستند یا مسلمان، یا یک شرقی مسلمان و عمدتاً هم از نژاد عرب. (نگاه کنید به یکی از فیلم‌های اخیر که در آن یک هواپیما ربای تیهکار، مسلمانی است از تبار عرب و با نامی عربی و وسط هواپیما هم نماز می‌خواند، با بازی دیوید ساجت، همان بازیگر معروف نقش پوارو که وی را در سریال پوارو که از تلویزیون خودمان هم پخش شد، دیده‌اید!)

بد نیست گاهی به فیلم‌های مطرح و پرفروشی که این آخرالزمان را تبلیغ می‌کنند بیندازیم:

ماتریکس یک و دو و سه: حتماً فیلم را با آن جلوه‌های ویژه اعجاب‌آورش دیده‌اید. نئو منجی است و آشنایی با مورفیوس، رهبر یک گروه مخفی که فضای مجازی را کشف کرده‌اند و می‌خواهند مردم را از آن آگاه کنند، او را به سوی وظیفه اصلی‌اش که نجات مردم و سرزمین زایان است، رهنمون می‌کند. زایان همان تغییر یافته انگلیسی کلمه صهیون خودمان است که اکنون در اخبارمان می‌گوییم صهیونیست‌ها یا زایانیست‌ها. زایان به عنوان شهر آرمانی و مدینه فاضله‌ای مطرح می‌شود که همه باید به آن‌جا بیایند و به رستگاری و خوشبختی برسند (آموزه‌های یهودی)

اطرافیان و یاران مورفیوس هم دقیقاً به تعداد و خصوصیات حواریون عیسی هستند. (آموزه‌های مسیحی) خود مورفیوس نیز خدای تجسم یافته است، زیرا یهود و مسیحیت معتقدند خدا می‌تواند مجسم شود. چنان‌چه در انجیل یوحنا آمده است که : خدا کلمه بود، و کلمه جسم شد، و نزد ما ساکن گردید و خدا پدر عیسی است.

نماد اتاق ۳۰۳ در طبقه سوم ساختمان هم نشانگر تثلیث است. این‌ها از موارد عرفی یا مذهبی‌اند. تربیتی نیز در این فیلم به نوعی با حضرت مریم ارتباط پیدا می‌کند.

ارباب حلقه‌ها : در این فیلم منجی فرودو است. از نژاد پست‌تر هایت که به همراهی یارانش بر سارومان که نمایانگر شر و پلیدی است، می‌جنگد.

این شخصیت به هیچ وجه کامل نیست - کامل از لحاظ انسانی و نه پرداخت آن در فیلمنامه - او بدون اشتباه نیست، خیلی جاها وسوسه می‌شود که حلقه را برای خودش بردارد و قدرت آن را به دست آورد. یک شخصیت خاکستری مایل به سفید که لازم نیست هیچ خطایی نکند. دقت کنید که منجی آمریکایی چه خصوصیاتی دارد.

البته غیر از بار فرهنگی و اعتقادی نبرد آرمادگدون، این فیلم‌های جادوگری جدید را از لحاظ اجتماعی هم می‌توان بررسی کرد. در دنیای تکنولوژی زده و به شدت علمی غرب که خشکی بی روحی را هم به دنبال دارد، رخ دادن معجزه، وجود موجودات افسانه‌ای و نامیرا و با قابلیت‌های جادویی برای مردم یک جامعه خیلی جذاب می‌شود. در مورد هری پاتر هم همین طور است.

هری پاتر : یکی از سینماگران غربی درباره پدیده هری پاتر گفته است: هری پاتر قرار است مسئله پیچیده فردا (بخوانید آینده) را برای ما و کشورهایی که به آن‌ها در حال توسعه می‌گویند، حل کند (منجی غرب) این طوری مصائب مشترکی

بشر روزی بر ضد او می‌شوند و تکنولوژی دشمن خالقش خواهد شد. این موضوع در این فیلم‌ها به تصویر کشیده شده است: دکتر فرانکشتاین، ترمیناتور و ماتریکس یک و دو. منجی در این آثار معمولاً یک انسان دانا و شجاع (والیته آمریکایی!) است که با شهامت و دانش خود، پیروانش را هدایت می‌کند و دشمن را که همان مخلوق اوست شکست می‌دهد. دقت کنید به نوع رهبری مورفیوس و نئو در ماتریکس. و این که نئو یا منجی خود یک تکسین کامپیوتر است که بر ضد ابرکامپیوتر و فضای مجازی قیام می‌کند.

۲. آخرالزمان طبیعی: بالاخره طبیعت که مورد هجوم انسان قرار گرفته و انواع آلودگی‌های زیستی در آن پدید آمده است، علیه نسل بشر عصبانی می‌کند و وقایعی چون سیل، زلزله، گردباد و آتشفشان‌های عظیم یا برخورد شهاب سنگ‌ها را موجب می‌شود، یا چون انسان در ژنتیک دستکاری کرده و در واقع در کار خدا دخالت نموده است، هیولاهای ناشناخته قرون اولیه حیات بشر بر زمین پدیدار می‌شوند و انسان را محاصره می‌کنند. در این‌جا نیز منجی همانی است که در بالا اشاره شد و البته ویژگی مهمش آمریکایی بودن اوست! مانند فیلم‌های برخورد عمیق، آرمادگدون، قله دانه، دنیای آب، گودزیلا، و پارک ژوراسیک.

۳. آخرالزمان دینی: مهم‌ترین رویکرد سینمای هالیوود است که به دو شیوه مستقیم و غیر مستقیم شرایط آخرالزمانی را به تصویر می‌کشد. در این مورد نیروی شر، یا شیطان است یا وسوسه‌هایش، یا با حضور فیزیکی‌اش، یا ضد مسیح (آنتی کریست) یا دجال، که در زمان خاصی از زندان خود رها می‌شود و حیات بشر را تهدید می‌کند. منجی نیز طبیعی است که یک متدین (کشیش یا قدیس) است که سحر شیطان را باطل می‌کند. (این منجی هم آمریکایی است!) به فیلم‌هایی نظیر جن گیر یک و دو، طالع نحس، و پایان روزگار دقت کنید.

۴. آخرالزمان علمی - تخیلی: در این روش، سینماگران واقعیت و خیال را با هم تلفیق کرده و به مقصود خود می‌رسند. نیروهای شر همان فضایی‌ها هستند که از آن‌سوی کهکشان و از اعماق تاریخ فضا به زمین حمله ور می‌شوند و منجی در این‌جا نیز با دانش و شجاعت خود مهاجمان فضایی را از بین می‌برد. (یک آمریکایی!) مانند مجموعه فیلم‌های بیگانه، روز استقلال، عنصر پنجم، و مجموعه جنگ ستارگان.

۵. آخرالزمان اسطوره‌ای یا افسانه‌ای : این نوع اخیراً بسیار مورد توجه هالیوود قرار گرفته و انواع فیلم‌های تولید شده در این باره نشان دهنده نوعی علاقه هالیوود به طرح آن است. سری سه گانه ارباب حلقه‌ها، و سری فیلم‌های هری پاتر که اکنون فیلم‌ها و کتاب‌های آن بسیار پرفروش شده و سود سرشاری را نصیب سازندگان آمریکایی کرده، از این گونه است. از دیگر فیلم‌های این گونه می‌توان مومیایی، بازگشت مومیایی، عقرب شاه، جادوگر مرلین، و... را نام برد. در این فیلم‌ها یک هیولای نادیده یا جادوگری وحشتناک و افسانه‌ای زندگی انسان‌ها را تهدید می‌کند و منجی و یارانش باید به سرزمین اسرار آمیز این هیولا سفر کنند و با زیرکی و توانایی خود با او بجنگند، زیرا او را فقط با سلاح‌های اسرارآمیز و جادویی مثل خودش می‌توان از میان برداشت. سرانجام هم با کشف یک طلسم یا ابزاری سحرآمیز (نگاه کنید به حلقه در ارباب حلقه‌ها یا هنر جادوگری هری پاتر) نماد شر